

اقسام کلمه

با در دست داشتن ۲ معیار در زبان عربی کلمات به ۳ دسته تقسیم می شوند:

الف) معنای کلمه (ب) زمان کلمه

انواع کلمه	حرف: این کلمه فاقد معنای مستقل و زمان می باشد و عامل ارتباط و تغییرات در اسم و فعل است. مانند: آن ، فی و...
	اسم : کلمه ای اصولاً دارای معنای کامل و مستقل و البته فاقد زمان است. مانند: ذهاب، مکتوب، شجر ، جمیل
	فعل: کامل ترین نوع کلمه فعل است چرا اصولاً که هم معنا و مفهوم کامل بیان می کند و هم دارای زمان مشخص است. مانند: هَجَرُوا : جدا شدند ، يُنْظَفُ : تمیز می کند

😊 خیلی مهمه ...

:۱

:۲

علامت ظاهری شناسایی اسم

۱- معمولاً کلماتی که ابتدای آن حرف ال می باشد:

مانند : الممزوج : درآمیخته ، التوافذ : پنجره ها

😊 خیلی مهمه ...

✓ عین العبارة التي ليست لها « ال » علامة الإسم. (خودمون)

- ۱- الكلام يَجْرُ الكَلَامَ .
۲- يا مَنْ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ .
۳- كانت آتة هاري شيمل ألقى محاضرات حول لغاتٍ مُختلفةٍ .
۴- في بعضِ الأوقاتِ قُدْرَةُ الكَلَامِ أقوى مِنَ السَّلَاحِ .

افعال داری ال عبارتند از :

أَفَّ ، إِنْتَامَ ، إِنْتَرَمَ ، إِنْتَفَّ ، إِنْتَفَتَ ، إِنْتَقَى ، أَلْقَى ، أَلْقَى مُحَاضَرَةً

۲- معمولاً کلماتی که با « مُ » آغاز می شود.

مانند : مُكْرَم ، مُوظَّف و...

خیلی مهمه ... 

✓ فی آی عبارتة لیس « مُ » علامه للإسم. (خودمون)

۱- حَصَرَ الطُّلَابَ لِلإِمْتِحَانِ فِي الْوَقْتِ الْمُحَدَّدِ. 3- تَنَمَوْ شَجَرَةَ الْخُبْزِ فِي جُزْرِ الْمُحِيطِ الْهَادِي

۲- الْمُتَكَلِّمُ يَعْرِفُ بِكَلَامِهِ. 4- كَانَ أَحَدُ الْعِلْمَاءِ مُنْذُ طِفْلُوتهُ مُشْتَاقَةً إِلَى فَهْمِ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ

۳- اصولاً کلمات ۳ حرفی که حرف وسط آن ساکن « اُ » باشد.

مانند: خُبْز ، صَعْب ، دَرَس و...

خیلی مهمه ... 

کلماتی مانند « مُنْذُ » حرف محسوب می شوند.

۴- کلمات داری تنوین اُ

مانند : كَم كِتَاباً هُنَا ؟ - النَّظْرُ الْمُصَحَّفِ عِبَادَةً

۵- کلمه ای که دارای « ة ، ة » می باشد.

مانند: حَمْسَةُ أَشْيَاء - سَخَاوَةٌ

۶- کلماتی که بعد از حروف جر می آید. حروف جر عبارتند از:

« فِي ، إِلَى ، عَلَى ، لِ ، بِ ، مِنْ ، كَ ، رَبِّ ، حَتَّى ، عَنْ و... »

خیلی مهمه ... 

✓ عَيْنَ العبارة التي ليست لها من حروف جارة. (خودمون)

- ۱- في هذا الوقت دَخَلَ صاحبُ الأمانةِ و سَلَّمَ عليهما.
- ۲- تَكَلَّمْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي لِيَعْلَمَنَّ طَرِيقَ رَفْعِ هَذِهِ الْمَشَاكِلِ.
- ۳- مَنْ خَافَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ.
- ۴- أَلْعَالِمُ بِإِلَّا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِإِلَّا ثَمَرٍ.
- ۳- کلماتی که مضاف واقع شوند یعنی بعد از آن مضاف إليه بیاید.

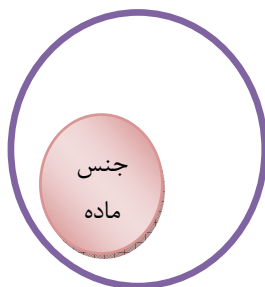
مانند: أيام الأسبوع - باطن الإنسان و...

- ۴- ضمائر ، اسم اشاره ، قید های زمان مانند: قبل - بعد - بین و...، اسم موصول و تمامی مصادر ، کلمات استفهام به غیر از هل و أ که حرف هستند ، جزوه اسم محسوب می شوند.
- ۵- کلمه ای که آخر آن « ات » آمده باشد. مانند: آیات

اسم از نظر جنس

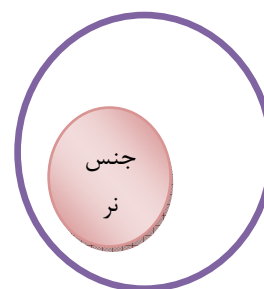
بر خلاف تصور، جنسیت در کلمات ابتدا بر اساس علامت های ظاهری و در مرحله بعد بر اساس جنسیت (نر و ماده) تفکیک می شوند. با توجه به تصاویر نتایج حاصل را زیر آن بنویسید:

مونث



.....
.....

مذکر



.....
.....

علامت های اسم مؤنث

مانند: مُدْرَسَة - كَبِيرَة - فَاطِمَة

۱ - ة تأنیث در آخر اسم

خیلی مهمه ...



✓ کم إسماً مؤنثاً فی العبارة التالية « قَالَتِ الطالِبَاتِ مُدْرَسَتِهِنَّ: یا استاذتی: أنتِ علامَةٌ و طلبة الجامعة محتاجون بك. » (خودمون)

۴- خمس

۳- ستّ

۲- أربع

۱- ثلاث

۱- اسم های بروزن فُعَلِي و فَعْلَاء

مانند: كَبْرِي ، خَضْرَاء

خیلی مهمه ...



« اء » و « ی ، الف مقصوره » زمانی علامت مؤنث هستند که جزء حروف اصلی نباشند و با حذف آنها حداقل ۳ حرف

اصلی اسم باقی بماند. در واقع الف مقصوره باید چهارمین حرف کلمه باشد .

مانند: ماء ← مذکر بیضاء ← مؤنث

انواع اسم مؤنث

الف) اسم های مؤنث دارای علامت ظاهری

- اسم هایی که دارای علامت مؤنث هستند و بر جنس ماده نیز دلالت دارد : فَاطِمَة ، بَقْرَة ، إمرأة
- اسم هایی که دارای علامت مؤنث هستند اما جنسیت (نر و ماده) در آنها مطرح نیست : سَخَاوَة ، شَجْرَة و...
- اسم هایی که دارای علامت مؤنث می باشد اما مربوط به جنس نر می باشند:
مانند: مَعَاوِيَة ، زَكْرِيَاء و...

خیلی مهمه ...



ما برای این نوع اسم مؤنث از فعل، ضمیر، اسم اشاره، صفت و... مذکر استفاده می کنیم:

هو زكرياء - دَهَبَ معاوية و...

ب) اسم های مؤنث بدون علامت ظاهری :

۱	اغلب اعضای زوج بدن :	ید ، عین و...
۲	اسم شهر ها و کشور ها	اصفهان ، فلسطین و ..
۳	اسم های خانم ها	مریم ، زینب ، نسترن و...
۴	اسم های منسوب به خانم ها	بنت ، أخت ، أم و...
۵	اسم هایی مانند:	بئر () سماء () نار () روح () جهنم () ریح () دار () شمس () أرض () نفس () عین ()

😊 خیلی مهمه ...

برخی کلمات مفرد آنها مذکر اما جمع آن ها ملحق به جمع مؤنث می باشد.

مانند: غاز: مذکر ← غازات مُلَوَّثَةٌ : مؤنث

✓ عین العبارة التي عدد الأسماء المؤنثة فيها أكثر: (خودمون)

- ۱- حاول العلماء معرفة سر تلك الظاهرة العجيبة.
- ۲- تستطيع الحرباء أن تدير عينيها في اتجاهات مختلفة دون أن تحرك رأسها.
- ۳- هذه الظاهرة الطبيعية الأرضي تحدث بسبب ریح شديدة في الهندوراس
- ۴- إبحث عن نص قصير علمي باللغة العربية حول خلق الله.

✓ أي عبارة ليس فيها اسم مؤنث؟ (جامع خیلی سبز)

- ۱) كُنَّا نَذْهَبُ أَيَّامَ الْخَمِيسِ إِلَى مَرْكَزِ مَدِينَتِنَا لِشِرَاءِ مَا نَحْتَاجُ إِلَيْهِ!
- ۲) يَعْتَقِدُ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ أَنَّ الْإِسْتِغَالَ بِالدَّرْسِ أَوْ غَيْرِهِ عَمَلٌ يُعِدُّنَا عَنِ الْمَعَاصِي!
- ۳) دَعَوْتُ أَصْدِقَائِي كُلَّهُمْ لِحَفْلَةِ مِيلَادِي وَلَكِنْ مَا إِشْتَرَكَ بَعْضُهُمْ بِسَبَبِ بُعْدِ الْمَسَافَةِ!
- ۴) كَانَ التَّلَامِيذُ يُطَالِعُونَ أَيَّامَ الْأُسْبُوعِ الْمَاضِي مَا يَتَعَلَّمُهُمُ الْمُعَلِّمُ بِكُلِّ نَشَاطٍ وَاجْتِهَادٍ!

✓ عَيْن ما ليس فيه « اسم مؤنث »: (جامع خیلی سبز)

- ۱) يا طالبی، اِضْحَكْ عَلَى الْحَيَاةِ. لَا تَحْزَنْ. أَنْتَ فَائِزٌ. سَتَنْجَحُ قَرِيبًا!
- ۲) الْعِلْمُ وَالْمَالُ يَسْتَرَانِ كُلَّ عَيْبٍ وَ الْجَهْلُ وَالْفَقْرُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ!
- ۳) مَا عَسَلَ وَلَدَى وَجْهَهُ وَ خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ وَ رَكِبَ حَافِلَةَ الْمَدْرَسَةِ!
- ۴) قَالَ الْهُدُودُ: الثَّعْلَبُ ثَقِيلُ السَّمْعِ؛ هُوَ ظَنَّ أَنَّ الْحَمَامَةَ تُشَجِّعُهُ عَلَى الْخُرُوجِ!

اسم از نظر تعداد

در زبان و ادبیات عرب کلمات از نظر تعداد به سه دسته تقسیم می شوند که در پایین به این مسأله می پردازیم.

الف) مفرد: به یک شی، شخص یا حیوان دلالت دارد. اسم های مفرد علامت خاصی ندارند و در نتیجه هر اسمی که مثنی یا جمع نباشد مفرد است.

😊 خیلی مهمه ...

شاید بتوانیم بگوییم حرف « ة ، ة » در برخی مواقع علامت مفرد مؤنث می باشد.

ب) مثنی: به دو شی، شخص یا حیوان دلالت دارد. علامت های اسم مثنی در جدول زیر آمده است:

مثنی مؤنث		مثنی مذکر	
شجرتان - جملتان	تان	معلمان - کافران	ان
صدیقین - لغتین	تین	موضوعین - استاذین	ین

😊 خیلی مهمه ...

✓ عَيْن الْخِطَا فِيهَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ (خودمون)

- ۱) خُمْسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ يَعِيشُونَ فِي مَسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ. (جمع مکسر)
- ۲) دَرَسَتْ شَيْمَلٌ مَدَّةً طَوِيلَةً فِي الْهِنْدِ وَ بَلَاكِسْتَانِ. (مفرد مؤنث)
- ۳) « فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا » (جمع مکسر)
- ۴) لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدُوانِ. (مثنی مذکر)

✓ عین الخطأ عن نوعیة الكلمات (التحليل الصرفی) فی العبارات التالیة. (آزمایشی سنجش ۹۶- با تغییرات)

« هذان الأخوان یدرسان فی مدرستهما کلّ یوم بدقة! »

- (۱) مدرسة : اسم - مفرد - مؤنث
 (۲) الأخوان : اسم - مثنی مذکر - نونه مفتوحة دائماً
 (۳) یوم : اسم - مفرد مذکر - متضاده « لیل »
 (۴) دقة : اسم - مفرد مؤنث - علامة تأنیث « ة »

(ج) جمع : به بیش از دو شی، شخص یا حیوان دلالت دارد. اسم جمع به نوع سالم و مکسر تقسیم می شود.

جمع سالم خود به دو بخش جمع مذکر سالم و جمع مؤنث سالم مقسم است.

الف) الجمع السالم للمذکر:

علامت های جمع مذکر سالم در جدول زیر بیان گردیده است :

مُسلمون - غُوصون	ونّ
أربعین - مُشکین	ینّ

😊 خیلی مهمه ...

۱ - جمع مذکر سالم فقط برای انسان و صفات انسان کاربرد دارد بنابراین اگر از اشیاء و حیوانات، جمعی با ظاهر جمع مذکر ساخته شده باشد، این جمع یا مکسر است و یا اسم مثنی و یا مفرد.

مانند : ۱- لون الرّمان أحمر:

۲- عود لسانک لین الکلام :

اسم مفرد	ترجمه	اسم مفرد	ترجمه	اسم مفرد	ترجمه	اسم مفرد	ترجمه
نسیان		فیتامین		مکان		شأن	
إحسان		میزان		بیان		سُلطان	
امبیسیلین		أمان		دُخان		مُسْتَعین	
حُسران		إنسان		لین		هون	
قرآن		لِسان		حَیوان		إیمان	
لون		دَوْران		مهرجان		رُمان	
صین		عُدوان		تومان		شیطان	
دین		فُستان		الآن		جَریان	
عُضبان		عَین		امتحان		حزین	
أمین		فرعون					
اسم جمع	ترجمه	اسم جمع	ترجمه	اسم جمع	ترجمه	اسم جمع	ترجمه
بساتین		ألوان		اوزان			
أسنان		أدیان					
جیران		عُیون					
إخوان		سگان					

سایر کلمات: باکستان، مهران، هُرمزجان، لرستان، کرمان، مازندران، ایران، خراسان

✓ عین الخطأ عن نوعية الكلمات (التحليل الصرفي) في العبارة التالية : (آزمایشی سنجش ۹۶-با تغییرات)

« نَطْلُبُ مِنَ اللَّهِ أَنْ يَنْصُرَنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ وَ يَهْدِينَا بِصِرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ »

- (۱) الله : لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذکر
- (۲) قوم : اسم - مذکر - جَمْعُهُ « قومون »
- (۳) کافرین : اسم - جمع مذکر - مفرد « کافر » - نونه مفتوحه دائماً
- (۴) مستقیم : اسم - مفرد مذکر - علامة الاسم فيه « ال و مُ »

✓ عین ما فيه الجمع السالم للمذکر: (جامع خیلی سبز)

- (۱) قَالَ رَجُلٌ لَنَا: دُخُولُكُمْ هَذِهِ الْبَسَاتِينَ فِي مَنْطِقَتِنَا مَسْمُوحٌ!
- (۲) عَلَى الْمُسْلِمِينَ أَنْ يَتَزَكَّوْا الذُّنُوبَ لِلْخَوْفِ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ فِي الْآخِرَةِ!
- (۳) عَلَيْنَا أَنْ نَجْتَنِبَ الشَّيَاطِينَ الَّذِينَ يُبْعِدُونَنَا مِنْ أَهْدَانِ الْإِلَهِيَّةِ!
- (۴) شَاهَدَتِ الْبَنَاتُ الْيَوْمَ الْمَاضِيَ تِلْكَ الْفَسَاتِينَ الْمَلُونَةَ الَّتِي اشْتَرَيْتَهَا لَأُمِّي!

ب) الجمع السالم للمونث:

علامت جمع مؤنث سالم « ات » می باشد در واقع « ات » جانشین علامت های مفرد مونث می باشد:

مانند: شهوة ← شهوات مُقابلة ← مقابلات

😊 خیلی مهمه ...

۱ - با بررسی برخی اسم ها به این نتیجه می رسیم هر کلمه ای که دارای « ات » می باشد حتماً جمع مؤنث سالم نیست. به کلمات زیر و مفرد آنها توجه کنید :

اسم جمع	أموات	اصوات	ابیات	اوقات
مفرد	میت	صوت	بیت	وقت

۲ - کلمات زیر جمع مؤنث سالم محسوب می شوند.

اسم جمع	بنات	أخوات	أمهات	فلوات
مفرد	بنت	أخت	أم	فلاة

نحوه تشخیص سالم بودن جمع ها

.....

.....

.....

ج) الجمع التکسیر (جمع مکسر):

جمع های مُکسَّر همانطور که از اسم آنها مشخص است (شکسته شده) دارای چارچوب خاص نمی باشد و بهترین روش به خاطر سپردن آنها است.

😊 خیلی مهمه ...

۱ - برخی اسم ها دارای ۲ جمع مکسر می باشند.

۲ - گاهی « ة » همانطور که قبلاً گفته شد علامت جمع مکسر می باشد نه مفرد مؤنث.

جمع های مکسر

مفرد	جمع مکسر	مفرد	جمع مکسر	مفرد	جمع مکسر
بَحْث	الْبَحَاث	الإِعْصَار	الْإِعْصَارِ	الجُمُرُك	الجُمُرُكِ
إِبْن	أَبْنَاء، بَنُونَ	الْعُصْن	الْأَعْصَان	الجُنْدِيُّ	الجُنُود
الأَجْر	أَجُور	الْأَفْضَل	الْأَفْضَالِ	الْخَطِيئَةُ	الْخَطَايَا
الْدَوَاء	الْدَوَايَةُ	الْقَرِيب	الْقَرِيبَاء	الْجَيْشِ	الْجَيْشِ
الْأَخ	الْإِخْوَان / إِخْوَةٌ	اللِّسَان	اللِّسَانَةُ	الْحَاجَّةُ	الْحَوَائِجُ
الْأَرْدَل	الْأَرَادِلُ	الْأَلْف	الْأَلْفِ	الْحَاسِبُ	الْحَوَاسِبِ
الأَرْض	الْأَرَاضِ	الْأَلَم	الْأَلَامِ	الْحَبُّ	الْحُبُوبِ
الْأُسْبُوع	أُسَابِيعُ	الْأَمِين	الْأَمْنَاءُ	الْحَبَلُ	الْحِبَالِ
صاحب المهنة	أَصْحَابُ الْمِهْنِ	الْأَمِير	الْأَمْرَاءُ	الْحَبِيبُ	الْحَبِيبَةُ
أَبَاب	أَبْوَاب	الْتِمَثَال	الْتِمَثَائِلُ	الْحَجَرُ	الْحِجَارَةُ
الْبَحْث	الْبَحَاثُ	تُهْمَةٌ	الْتِهْمُ	الْحَدُّ	الْحُدُودُ
الْبَذْر	الْبُذُورُ	الْتَلْجُ	الْتَلُوجُ	الْحَدِيقَةُ	الْحَدَائِقُ
الْبِرْنَامَج	الْبِرَامِجُ	الْتَمْرُ	الْتَمَارُ	الْحَقِيقَةُ	الْحَقَائِبُ
الْبُسْتَان	الْبُسَاتِينُ	الْجَارُ	الْجِيرَانُ	الْحَيُّ	الْحَيَاءُ
بَصْر	الْبُصَارُ	الْجَاهِلُ	الْجُهَالُ	الْخَاتِمُ	الْخَوَاتِمُ
الْبِضَاعَةُ	الْبِضَائِعُ	الْجَبَلُ	الْجِبَالُ	الْتَمْرُ	الْتَمُورُ
الْبَلَدُ	الْبِلَادُ	الْجَدُّ	الْأَجْدَادُ	الْحَشَبُ	الْأَخْشَابُ
الْبَهِيمَةُ	الْبِهَائِمُ	الْجِدْعُ	الْجُدُوعُ	الْحَطَأُ	الْأَخْطَاءُ
الْبَيْرُ	الْبَارُ	الْجَزِيرَةُ	الْجُزُرُ	الْحَطِيبُ	الْحُطْبَاءُ
الْتَلْمِيزُ	الْتَلْمِيزُ	الْجِسْرُ	الْجُسُورُ	الْحُطْبَةُ	الْحُطُطُ
الْحَطِيبَةُ	الْحَطَايَا	السَّرْوَالُ	السَّرَاوِيلُ	الْعَدُوُّ	الْعُدَاءُ

الأعشاب الطيبة	العشب الطيب	الأسرة / السر	السرير	الذرة	الذرة
العصافير	العصفور	الأسعار	السعر	دلافين	الدلفين
الأعلام	العلم	الشعوب	الشعب	أدلاء / أدالة	الدليل
الأعمدة	العمود	الشهور	الشهر	الدموع	الدمع
العملاء	العميل	الصحف	الصحيفة	الدول	الدولة
العيون	العين	الصدور	الصدر	الذكريات	الذكري
العُرف	العُرْفَة	الأصدقاء	الصديق	الأذنان	الذنب
الغزلان	الغزال	الصفوف	الصف	الذنوب	الذنب
العُصون	العُصن	الصور	الصورة	الذئاب	الذئب
الغُيوم	الغيم	الأضواء	الضوء	الرؤوس	الرأس
الفواكه	الفاكهة	الضيوف	الضيف	الروائح	الرائحة
الفراخ	الفرخ	الطلاب	الطالب	الرجال	الرجل
الأفراس	الفرس	الطيور	الطائر	الرسائل	الرسالة
الفرائض	الفريضة	أطعمة	الطعام	الرياح	الريح
الأفرقة	الفرق	الظواهر	الظاهرة	الزوايا	الزاوية
الفساتين	الفستان	العدة	العادي	الزعماء	الزميل
		الأعوام	العام	الأزهار	الزهر
الأقدام	القدم	العمال	عامل	الزيتون	الزيت
القرى	القرية	العباد	العبد	سياح	السائح
الأقوال	القول	العبر	العبرة	السواق	السائق
إنصح	النص	المرضى	المريض	القيم	القيمة
الأنعم	النعمة	المصابيح	المصباح	الكرسي	الكرسي
الأنوة	الأنوى	المصانع	المصنع	الأكفأء	الكفو

الأنهار	النَّهْر			الكلاب	الكلب
الوجوه	الْوَجْه	المطابع	المطبعة	الكنوز	الكنز
الأوراق	الْوَرَق	الأمطار	المطر	لحوم	اللحم
		المفاتيح	المفتاح	الأسننة	اللسان
الأولياء	الْوَلِيّ	الملعب	الملعب	المحامد	المحمدة
الهواتف	الهِاتِف	الملوك	الملك	المخازن	المخزن
الأيادي	الْيَد	التوافذ	التأفذة	المدن	المدينة
		الأيام	اليوم	اليتابع	اليتبوع

۳ - برخی کلمات دارای ۲ نوع جمع می باشد مثلاً جمع مذکر سالم و جمع مکسر.

مانند :

طالب	}	۱- طالبون - طالبین	←	جمع مذکر سالم
		۲- طلاب - طلبة	←	جمع مکسر

۴ - برای تشخیص مذکر یا مؤنث بودن جمع های مکسر باید به مفرد آنها توجه کنیم.

✓ **أى** عبارة ليس فيها اسم مؤنث : (خودمون)

- (۱) الله هو الذى أنعمه منهمة.
- (۲) توجد أشجار البلوط فى مدائن المختلفة مغرب الايران.
- (۳) قرّر طلاب أن يغيبوا عن الامتحان.
- (۴) قيم المشتركة بين الناس تسمى الثقافة.

اسم اشاره

اسم های اشاره برای اشاره کردن به انسان، اشیاء و مکان ها استفاده می شود. در زبان عربی برای اشاره به مکان اسم اشاره خاص و همچنین برای جنس ها و تعداد مختلف لسم اشاره مربوط به خود وجود دارد که در ذیل به آن ها اشاره می کنیم:

الف) اسم اشاره به مکان

هنا	اینجا
هناک	آنجا

خیلی مهمه ... 😊

گاهی هناک معنی (وجود دارد ، هست) می دهد که با رعایت شرایط زیر این مسأله مورد توجه است:

۱- هناک + جمله فعلیه ← آنجا

مانند: لا تجلسوا هناک : آنجا ننشینید

۲- هناک + جمله اسمیه ← وجود دارد. هست

هناک أشجارٌ معمرَةٌ فی جزُرِ المَحیطِ الهادِی

درختانی کهنسال در جزیره های اقیانوس آرام وجود دارد.

ب) اسم اشاره برای انسان اشیاء و حیوانات

مذکر ← هذا :	مؤنث ← هذه :	مفرد	قریب (نزدیک)
مذکر ← هذان ، هذین:	مؤنث ← هاتان ، هاتین:	مثنی	
مذکر، مؤنث و مکسر عاقل ← هولاء:	* مکسر و مؤنث غیر عاقل ← هذه:	جمع	بعید
مذکر ← ذلک (ذاک) :	مؤنث ← تلک :	مفرد	
مذکر، مؤنث و مکسر عاقل ← اولئک:	* مکسر و مؤنث غیر عاقل ← تلک:	جمع	

خیلی مهمه ...



۱- با توجه به قسمت هایی که با * نشان داده شده است به این نتیجه می رسم که :

۱ - جمع غیر عاقل = مفرد مؤنث
 ۲ - هؤلاء و اولئک : فقط برای انسان و صفات انسان است

به مثال های زیر توجه کنید :

۱- يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ هَذِهِ الْأَمْثَارِ. 2- تَتَساقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ.

✓ عَيْنُ الْخَطِّ عَنْ اسْمِ الْإِشَارَةِ (آزمایشی سنجش ۹۶)

- ۱) هذا أثر تاريخي جميل في مدينتنا !
- ۲) اولئك الرجال صادقون في أعمالهم !
- ۳) تلك البطارية الصغيرة لهذه السيارة الكبيرة !
- ۴) هذان التلميذتان فائزتان في المسابقة !

۲ - گاهی هؤلاء و اولئک در معنای اصلی خود بکار نمی رود بلکه بصورت مفرد ترجمه می شود :

هؤلاء + اسم دارای ال ← رأى هؤلاء القوم عظمة جيش ذى القرنين :

اولئک + اسم دارای ال ← اولئک التلاميذ تخرجوا من الصف العاشر :

۳ - گاهی بدون وجود اسم اشاره (هذا ، هذه - ذلك ، تلك - هؤلاء و اولئک در نکته ۲) معادل فارسی این کلمات در ترجمه دیده می

شود . (مربوط به مبحث معرفه و نکره)

۴ - مشارالیه :

.....

.....

کلمات استفهام (پرسشی)

کلمه پرسشی/ترجمه	کاربرد و نحوه پاسخ	مثال
هل - أ : آیا	در پاسخ، حتماً « نعم » یا « لا » استفاده می شود و بعد میتوانیم جمله مناسب کوتاه بیاوریم.	هل هذا كتابٌ؟ نعم / لا ... آیا این کتاب است؟
مَنْ: چه کسی؟ چه کسانی؟	هدف این نوع سؤال و پاسخ آن افراد عاقل (انسان) است. اگر بعد از کلمه مَنْ « هو/هی » آمد این کلمه ترجمه نمیشود	مَنْ هذه المرأةُ؟ این زن چه کسی است؟ هذه ... مَنْ هي هذه المرأةُ؟ این زن چه کسی است؟
لِمَنْ: برای چه کسی؟	اگر مالکیت مد نظر باشد از این نوع سؤال و در پاسخ می توانیم از حرف « لِ / برای » استفاده می کنیم.	لِمَنْ هذه السَّيَّارةُ؟ این ماشین برای کیست؟ هذه السَّيَّارةُ لِصَدِيقِي
ما - ماذا - ماهو - ما هي : چه ، چه چیز ، چیست ؟	هدف این نوع سؤال و پاسخ آن افراد غیرعاقل (غیر انسان) است.	ما هذه؟ این چیست؟ هذه حَقِيبَةٌ/ماذا في الحَقِيبَةِ؟ در کیف چه چیزی است؟ الكتاب و القلم
كيف : چگونه؟	پاسخ این نوع سؤال در برگیرنده کیفیت و نوعی از حالت است.	كَيْفَ رَجَعْتَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟ چگونه از مدرسه برگشتی؟ بسرورٍ
لِمَاذَا: برای چه؟	اگر دلیل انجام کاری مد نظر باشد، از این نوع سؤال و در پاسخ می توانیم از حرف « لِ / برای » و « لِأَنَّ / برای اینکه » استفاده کنیم.	لِمَاذَا لا تذهب إلى المدرسة؟ برای چه به مدرسه نمی روی؟ لِأَنَّني أشعرُ بصداحِ
أَيْنَ: کجا؟	مکان هر شیء ، شخص و وقوع کاری با این کلمه پرسشی سؤال و در پاسخ از کلماتی مانند: هُنَا ، هُنَاكَ ، تَحْتِ ، فَوْقَ ، جَنْبِ ، حَوْلَ ، بَيْنَ ، فِی ، عَلٰی ، عَلٰی الِیْمِینِ ، عَلٰی الِیْسَارِ ، أَمَامَ ، خَلْفَ و ... استفاده می شود.	أَيْنَ الشَّجَرَةِ؟ درخت کجاست؟ جَنْبِ ... / فَوْقِ ... / عَلٰی الِیْسَارِ ... و ...
مَتَى: چه وقت؟	زمان وقوع کار یا روی دادن حالت و یا هر نوع سؤال در مورد زمان با این کلمه پرسشی سؤال و در پاسخ از کلماتی مانند: لَیْلَ ، صَبَاحَ ، مَسَاءَ نَهَارَ ، غَدًا و ... استفاده می شود.	مَتَى رَجَعْتَ مِنَ الْمَلْعَبِ؟ چه زمانی از بازی برگشتی؟ رَجَعْتُ مَسَاءً / نَهَارًا و ...
کَم: چه اندازه ، چقدر ، چند؟	وزن ، مقدار ، تعداد ، ساعت و ... هدف از پاسخ به این نوع سوال است. بنابراین اعداد نقش مهمی در پاسخ این سوالات دارند.	کَم مَعْلَمًا فی الغَرَفَةِ؟ چند معلم در اتاق هستند؟ کَم سَاعَةً؟ ساعت چند است؟
مِنْ أَيْنَ؟ از کجا؟ اهل کجا؟	اگر بخواهیم بدانیم فردی اهل کجاست از این نوع کلمات استفاده می کنیم .	مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ اهل کجایی؟ أَنَا مِنْ إیران
أَيُّ: کدام؟	دایره پاسخگوی به این نوع سؤال بسیار گسترده است و موضوعات فراوانی را در بر می گیرد.	فِي أَيِّ يَوْمٍ تَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ؟ در کدام روز به بازار می روی؟ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ

کار در کلاس

أجبْ جواباً قصيراً عن الأسئلة.

- ۱ - كيف الجوُّ في الصيف؟.....
- ۲ - ماذا ستصيرُ في المستقبل؟.....
- ۳ - ماذا تأكلُ عندما تشعرُ بِصداعٍ؟.....
- ۴ - كم يوماً في الأسبوع تذهبُ إلى المدرسة؟.....
- ۵ - أ مدرستك قريبةٌ من بيتك أم بعيدةٌ عنها؟.....
- ۶ - هل الجوالُ مسموحٌ في الصفِّ؟.....

إسأل زميلك هذه الأسئلة و اطلبُ منه الجواب و اكتبه.

- ۱ - متى تكتبُ / تكتبينُ واجباتك/ كي عادةً؟.....
- ۲ - كم عُمرک في السنة القادمة؟.....
- ۳ - كم عدد أفراد أسرتك؟.....
- ۴ - هل أنت/ أنتِ تعرفُ/ تعرفين اللُغة العَرَبِيَّة؟.....
- ۵ - أي لونٍ تُحبُّ/ تُحِبينَ ؟.....

لازمه زودتر بدونیم!!

اسم از نظر معرفه و نکره

درس ۳ سال ۱۱

« اسم نکره »

ما اسمی را نکره می نامیم که زمانی که راجع به آن می گوئیم ، می خوانیم یا می نویسیم دقیقاً شیء ، مکان یا فرد خاصی در نظر ما نیست .

خیلی مهمه ... 😊

۱ - معمولاً اسم های نکره همراه تنوین (ةٌ) می آید مگر آنکه اسم مثنی ، جمع مذکر سالم و باشد .

مانند :

- إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ.

- الْحُقَاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبوناتِ.

۲ - نحوه ترجمه کردن اسم های نکره به صورت زیر می باشد :

الف) ی در انتهای ترجمه اسم نکره .

مانند: كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمْطِرُ أَسْمَاكَ . گویا که آسمان **ماهی هایی** می بارد.

(ب) وجود کلمه **یک** در ابتدای ترجمه اسم نکره .

مانند : سَلَّمْتُ عَلَى مُعَلِّمٍ فِي الْحِصَّةِ الثَّانِي لَا أَعْرِفُهُ.

در زنگ دوم به **یک** معلم سلام کردم که او را نمی شناختم .

(ج) وجود کلمه **یک** در ابتدای ترجمه اسم نکره و **ی** در انتهای ترجمه اسم نکره .

مانند : عَصَفْتُ رِيَاخٌ فِي اللَّيْلِ الْمَاضِي.

یک بادی در شب گذشته وزید.

۳ - در صورتی که بعد از یک اسم نکره صفت بیاید ما می توانیم به دو صورت این ترکیب را ترجمه کنیم :

ب : صفت بصورت نکره

الف : موصوف بصورت نکره

مانند : حیوانٌ صَغِيرٌ ۱ - حیوانی کوچک ۲ - حیوان کوچکی

« اسم معرفه »

وقتی که از اسم معرفه سخن می گوئیم منظور ما اسمی است که برای خواننده و شنونده آشنا و قابل شناخت است و یا به بیان بهتر مصداق و مثال برای آن مربوط به یک شیء یا شخص یا حیوان و... می شود.

• انواع اسم معرفه

۱. اسم دارای حرف تعریف « ال »

هرگاه یک اسم که خود ذاتاً ابتدایش دارای « ال » نمی باشد همراه این حرف بیاید معرفه محسوب می شود و به آن معرفه ال گفته می شود .
مانند: ال + مُعَلِّمٌ = الْمُعَلِّمُ

بنابراین در کلماتی مانند أَلَانٌ و... ال علامت معرفه بودن این کلمه نیست .

۲. اسم خاص (در زبان عربی از آن به عنوان « اسم عَلَمٌ » یاد می شود)

منظور از اسم خاص، نام یا عنوان شخص یا مکانی است که فقط مخصوص آن مکان یا شخص می باشد مثلاً وقتی می گوئیم اصفهان منظور شهر اصفهان است و این واژه فقط برای یک مکان صدق می کند یا زمانی که از نام فردی در صحبت روزمره استفاده می کنیم هدف و فرد خاص مورد نظر ماست.

مانند : رَأَيْتُ مَرِيَمَ فِي مَدِينَةِ أَهْوَاذٍ . مریم را در شهر اهواز دیدم

😊 خیلی مهمه ...

۱ - در صورتی که اسم های خاص همراه ال بیایند معرفه از نوع عَلَمٌ محسوب می شود چرا که حرف ال سبب معرفه شدن اسمی می شود که ذاتاً نکره است.

مانند : الْمُحَمَّدُ : معرفه به عَلَمٌ الْكِتَابُ : معرفه به ال

۲ - گاهی اسم هایی که مربوط به افراد می باشد بعنوان صفت در جمله به کار می رود .

مانند : کَلَّ التلاميذ يتلون القرآن في اليوم السعيد !

✓ عَيْن ما فيه العلم من المعارف : (آزمون کانون - قلم چی)

۱ - هذا البائع والد سعيد ! ۲ - قلت لصديقي صوتك حسن ! ۳ - هذا مشهد من الحياة البسيطة ! ۴ - ما رايت أسداً في هذه الغابات !

بدونیم بهتره

اسامی زیر نیز جز اسم های معرفه محسوب می شود :

۱ - ضمائر اعم از منفصل و متصل

۲ - اسم هایی مانند : الّذی ، الّتی ، الّذین ، الّلاتی و ... که به آنها اصطلاحاً اسم موصول گفته می شود .

• موصولات به دو دسته « عام » و « خاص » تقسیم می شوند .
موصولات عام عبارتند از :

(۱) مَنْ ← (به معنی « کسی که / کسانی که » و برای انسان بکار می رود .

(۲) ما ← (به معنی « چیزی که / چیزهایی که / آنچه که » برای غیرانسان بکار می رود

موصولات خاص عبارتند از :

جمع	مثنی	مفرد	
الَّذِينَ	الَّذَانِ / اللّذَيْنِ	الَّذِي	مذکر
اللاتی	اللّتانِ / اللّتينِ	الّتی	مؤنث

• موصولات خاص باید از نظر جنس و تعداد با شرایط جمله هماهنگ باشند .

✓ ما هو الصحيح للفراغ : « إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ يقاتلون في سبيله » ؟ (آزاد دهه هشتاد)

(۱) الذي (۲) اللذان (۳) اللذين (۴) الذين

✓ ما هو الصحيح للفراغ : « كنت أطلع الكتب أخذتها من صديقي » ؟

(۱) الذي (۲) التي (۳) الذين (۴) اللاتي

• موصولات (عام و خاص) متناسب با نیاز جمله نقش های مختلفی از قبیل « فاعل ، مفعول به ، مبتدا ، خبر و ... » را می پذیرد.

۳ - اسم های اشاره مانند : هذا ، هذه و ...

۴ - اسم های نکره ای که به واسطه اتصال به یک اسم معرفه برای ما قابل شناخت می شوند.

مانند : سلوک (نکره) + الطّالِب (معرفه) المُشَاغِب = سلوک الطّالِب المُشَاغِب (معرفه)

أخ (نکره) + ی (معرفه) = أخی

خیلی مهمه ...

۱ - علیرغم این مطلب که اسم های نکره اصولاً دارای تنوین هستند اما اگر اسم خاص (علم) تنوین بپذیرد بازهم معرفه محسوب می شود. مانند : **سعیذٌ أَكْبَرُ** إخوانی

۲ - اگر یک اسم دو بار تکرار شود و بار اول بصورت نکره بیاید و بار دوم همراه « ال » تکرار شود ، می توان اسم دوم را همراه « این » و « آن » ترجمه کرد .

مانند : فی الْمَرْزَعَةِ **رَجُلٌ**. كَانَ الرَّجُلُ قَوِيًّا كَثِيرًا : **مردی** در مزرعه بود . **آن مرد** بسیار قوی بود .

۳ - گاهی اسم های نکره بصورت معرفه ترجمه می شود و این امر در جملات اسمیه رخ می دهد .

مانند : اللهُ غَفُورٌ : خدا آمرزنده است.

۴ - گاهی می توان اسم معرفه را نکره ترجمه کرد .

المؤمنون الَّذِينَ : مومنان که ... مومنانی که ...

با دقت در ترجمه در می یابیم موصول بصورت کسانی که ترجمه نشده است :

اسم دارای ال + موصول خاص

کار در کلاس

۱ - عَيْنُ الْمَعْرِفَةِ وَالنَّكِرَةِ فِي الْجُمْلِ التَّالِيَةِ. (کتاب علوی فرهیخته)

۱ - شَجَرَةُ السُّكُويَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ فِي كَاليفورنيا.

۲ - ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةَ وَاحِدَةٍ وَهِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ.

۳ - شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ .

۴ - يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي مَدِينَةِ نِيكشهرِ مِحَافِظَةِ سِيستانِ وَبَلُوشِستانِ .

۲ - تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ حَسَبِ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَالنَّكِرَةِ . (کتاب علوی فرهیخته)

۱ - إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ .

۲ - طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَالْمَاءِ .

۳ - نَبَاتَاتٌ مِفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ .

۴ - إِنَّ الْبَحْرَ وَالْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ .

✓ «قَدَسَجَلَتْ مُنْطَمَةً الْيُونِسْكَو مَسْجِدَ الْعَتِيقِ الَّذِي يَقَعُ فِي مَحَافِظَةِ فَارِسِ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ!»: سازمان یونسکو..... (گزینہ ۲)

- ۱ - مسجدی باستانی در استان فارس را که در فهرست میراث جهانی قرار گرفته بود، به ثبت رسانده است!
 - ۲ - مسجد عتیق را که در استان فارس واقع شده است، به عنوان میراثی جهانی به ثبت رسانده است!
 - ۳ - مسجد عتیق را که در استان فارس قرار دارد، در فهرست میراث جهانی ثبت کرده است!
 - ۴ - مسجد کهنه‌ای را که در محافظت فارسی‌زبانان قرار دارد، در فهرست میراث جهانی ثبت کرده است!
- ✓ عَيْنَ مَعْرِفَةٍ فِي مَحَلِّ الْمَفْعُولِ: (گزینہ ۲)

- ۱ - أَحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ إِِنْشَاءً تَحْتَ عِنْوَانِ «النَّجَاح»!
 - ۲ - «إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»
 - ۳ - أَلْفَ عَدَدٍ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتِبَتْ فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ!
 - ۴ - مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمَلَ بِهِ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ!
- ✓ عَيْنَ الْأَصْحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ (منتا)

«رَأَى ذَنْبٌ جَائِعٌ فِي الْمَزْرَعَةِ حَمَارَيْنِ سَمِينَيْنِ يَأْكُلَانِ الْعُشْبَ.»

- ۱ - یک گرسنه در مزرعه دو الاغ فربه را دید که علف می‌خوردند.
- ۲ - گرگی گرسنه در مزرعه دو الاغ فربهی را دید که علف می‌خورند.
- ۳ - یک گرگ گرسنه در مزرعه دو الاغ فربهی را دید که علف می‌خورند.
- ۴ - گرگ گرسنه در مزرعه دو الاغ فربهی را دید که علف می‌خورند.

✓ عَيْنَ الْعِبَارَةِ الَّتِي مَاجَاءَ فِيهَا اسْمُ الْعَلَمِ: (منتا)

۱) الْعِنَبُ الْبَرَا زَيْلِي شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنْ بَاتِي أَشْجَارِ الْعَالَمِ، تَنْبُتُ فِي الْبَرَازِيلِ!

۲) شَجَرَةُ السَّكْوِيَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ فِي كَاليفورنِيَا!

۳) شَجَرَةُ الْخُبْرِ شَجَرَةٌ اسْتَوَائِيَّةٌ تَنْمُو فِي جُزْرِ الْمَحِيْطِ الْهَادِي!

۴) شَجَرَةُ الْبَلُوْطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ وَ قَدْ تَبْلُغُ مِنَ الْعُمْرِ أَلْفِي سَنَةٍ!

✓ عَيْنَ الْعِبَارَةِ الَّتِي فِيهَا اسْمُ الْعَلَمِ: (منتا)

۱) ذَهَبَ الطَّالِبُ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ وَ شَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ!

۲) اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ!

۳) إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ!

۴) الْعِنَبُ الْبَرَا زَيْلِي شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنْ بَاقِي أَشْجَارِ الْعَالَمِ!

✓ عَيْنَ الْعِبَارَةِ الَّتِي مَاجَاءَ فِيهَا «مَعْرِفَ بِهِ أَل» (منتا)

۱) أَنَا رَأَيْتُ سَائِحًا مِنَ الْكُوَيْتِ فِي مَطَارِ مَدِينَةِ النَّجَفِ.

۲) «... أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ...»

۳) قَبْرُ كُورْشِ يَجْذِبُ سَيَّاحًا مِنْ دَوْلِ الْعَالَمِ.

۴) «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ.»

✓ عَيْنَ الْمَعْرِفِ بِ «أَل» مَخْتَلِفًا فِي الْمَحَلِّ الْاِعْرَابِيِّ: (منتا)

۱) ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَتَهُ وَاحِدَةً وَ هِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ!

۲) شَجَرَةُ الْخُبْرِ شَجَرَةٌ اسْتَوَائِيَّةٌ تَنْمُو فِي جُزْرِ الْمَحِيْطِ!

۳) شَجَرَةُ النَّفْطِ شَجَرَةٌ يَسْتَخْدِمُهَا النَّزْرَعُونَ كَسِيَّاحِ

۴) قَبْرُ كُورْشِ يَجْذِبُ سَيَّاحًا مِنْ دَوْلِ الْعَالَمِ!



ضمیر ها جانشینی برای اسم ها هستند که کاربردهای مختلفی دارند. بعضی از آنها قابلیت اتصال به کلمات را دارند (ضمیر متصل) و برخی هم این قابلیت را دارا نیستند (ضمیر منفصل) که در ادامه به آنها اشاره شده است.

الف) ضمیر منفصل

ضمیر	ترجمه	کاربرد	صیغه	شخص
هو	او	مفرد مذکر غائب	لِلْغَائِبِ	
هما	آن دو	مثنی مذکر غائب	لِلْغَائِبِیْنِ	
هم	آنها (آن چند نفر)	جمع مذکر غائب	لِلْغَائِبِیْنِ	
هی	او	مفرد مؤنث غائب	لِلْغَائِبَةِ	
هما	آن دو	مثنی مؤنث غائب	لِلْغَائِبَتِیْنِ	
هنَّ	آنها (آن چند نفر)	جمع مؤنث غائب	لِلْغَائِبَاتِ	
أَنْتَ	تو	مفرد مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبِ	
أَنْتُمَا	شما دو نفر	مثنی مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبِیْنِ	
أَنْتُمْ	شما چند نفر	جمع مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبِیْنِ	
أَنْتِ	تو	مفرد مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَةِ	
أَنْتُمَا	شما دو نفر	مثنی مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَتِیْنِ	
أَنْتُنَّ	شما چند نفر	جمع مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَاتِ	
أَنَا	من	متکلم مفرد مذکر و مؤنث	لِلْمُتَكَلِّمِ وَحَدِهِ	
نَحْنُ	ما	متکلم مثنی و جمع/مذکر و مؤنث	لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَیْرِ	

ب) ضمائر متصل

شخص	صيغه	کاربرد	ترجمه		ضمير
			متصل به فعل	متصل به اسم و حرف	
	للغائب	مفرد مذکر غائب	او را	او / َ ش	ه / 4
	للغائبين	مثنی مذکر غائب	آن دو را / آنها را	آن دو / ِ شان	هما
	للغائبين	جمع مذکر غائب	آنها را	آنها (آن چند نفر) / شان	هم
	للغائبة	مفرد مؤنث غائب	او را	او / َ ش	ها
	للغائبتين	مثنی مؤنث غائب	آن دو را / آنها را	آن دو / ِ شان	هما
	للغائبات	جمع مؤنث غائب	آنها را	آنها (آن چند نفر) / ِ شان	هنَّ
	للمخاطب	مفرد مذکر مخاطب	تو را	تو / َ ت	ك
	للمخاطبين	مثنی مذکر مخاطب	شما دو نفر را	شما دو نفر / ِ تان	كُما
	للمخاطبين	جمع مذکر مخاطب	شما چند نفر را	شما چند نفر / ِ تان	كُم
	للمخاطبة	مفرد مؤنث مخاطب	تو را	تو / َ ت	كِ
	للمخاطبتين	مثنی مؤنث مخاطب	شما دو نفر را	شما دو نفر / ِ تان	كُما
	للمخاطبات	جمع مؤنث مخاطب	شما چند نفر را	شما چند نفر / ِ تان	كُنَّ
	للمتكلم وحده	متكلم مفرد مذکر و مؤنث	من را / مرا	من / َ م	ي
	للمتكلم مع الغير	متكلم مثنی و جمع/مذكرو مؤنث	ما را	ما / ِ مان	نا

اوزان و حروف اصلی کلمات

بسیاری از کلمات در زبان و ادبیات عرب سه حرف اصلی دارند (ریشه کلمه) که البته با اضافه شدن حروف دیگر که به آنها حرف زائد گفته می شود، شکل ظاهریشان تغییر می کند. این اضافه شدن و تغییر هم می تواند در فعل باشد و هم در اسم، اما نتیجه مشترک هر دو نوع کلمه این است که حروف زائد معنای آنها را تغییر می دهد و کاربرد های مختلفی را برای ما فراهم می سازد.
حروف اصلی را می توان به شکل :

ل	ع	ف
سومین حرف اصلی	دومین حرف اصلی	اولین حرف اصلی

تقسیم کرد و با اضافه کردن حروف زائد کلمات جدید شکل داد:

فَعْل	مَفْعَل	فَعِيل	مَفْعُول	فَاعِل	فعل
عَلَّمَ	مُعَلِّم	عَلِيم	مَعْلُوم	عَالِم	عَلَّمَ

فعل

اکنون به مهمترین بخش مربوط به کلمات یعنی شناسایی و کاربرد فعل رسیدیم . همانطور که می دانید کاملترین نوع کلمه فعل است که هم زمان را شامل می شود وهم معنای کامل مستقلی دارد . فعل در واقع خود به تنهایی می تواند یک جمله و مفهوم کامل را در بر بگیرد. ساختار اصلی تمامی فعل ها به شکل زیر می باشد :

چارچوب و شکل اصلی صرف افعال

شخص	صیغه			
		مفرد		
		مثنی	مذکر	
		جمع		غایب
		مفرد		
		مثنی	مونث	
		جمع		
<hr/>				
		مفرد		
		مثنی	مذکر	
		جمع		مخاطب
		مفرد		
		مثنی	مونث	
		جمع		
<hr/>				
			وحده	متکلم
			مع الغیر	

• فعل از نظر زمان

الف (ماضی مثبت

منظور فعلی است که روی دادن حالت یا انجام پذیرفتن کاری در زمان گذشته را بیان می کند پس اگر موضوع گفت و گو و یا متن مورد مطالعه مربوط به زمان گذشته باشد ، افعال مورد استفاده ماضی خواهد بود. فعل ماضی بر سه وزن : **فَعَلَ / فَعِلَ / فَعَّلَ** ساخته می شود.

فعل	ترجمه	کاربرد	صيغه	شخص
فَعَلَ	انجام داد او	مفرد مذکر غائب	لِلْغَائِبِ	
فَعَلَا	انجام دادند آن دو/ آنها	مثنی مذکر غائب	لِلْغَائِبَيْنِ	
فَعَلُوا	انجام دادند آنها	جمع مذکر غائب	لِلْغَائِبِينَ	
فَعَلَتْ	انجام داد او	مفرد مؤنث غائب	لِلْغَائِبَةِ	
فَعَلَتَا	انجام دادند آن دو/ آنها	مثنی مؤنث غائب	لِلْغَائِبَتَيْنِ	
فَعَلْنَ	انجام دادند آنها	جمع مؤنث غائب	لِلْغَائِبَاتِ	
فَعَلْتُ	انجام دادی تو	مفرد مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبِ	
فَعَلْتُمَا	انجام دادید شما دو نفر	مثنی مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطِبَيْنِ	
فَعَلْتُمْ	انجام دادید	جمع مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطِبِينَ	
فَعَلْتِ	انجام دادی تو	مفرد مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَةِ	
فَعَلْتُمَا	انجام دادید شما دو نفر	مثنی مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطِبَتَيْنِ	
فَعَلْتُنَّ	انجام دادید	جمع مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطِبَاتِ	
فَعَلْتُ	انجام دادم	متکلم مفرد مذکر و مؤنث	لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	
فَعَلْنَا	انجام دادیم	متکلم مثنی و جمع/ مذکر و مؤنث	لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	

نشانه ها و سافتر فعل ماضی

حال!

با توجه به تمامی صیغه ها در میابیم که تمامی صیغه های ماضی بر اساس صیغه اول که همان ریشه فعل است و با اضافه شدن علامت هایی بعنوان شناسه فعل ساخته می شود. این شناسه ها عبارتند از :

الف / واو / ت / ن / تا / ن / ت / ثما / تم / ت / ثما / ثن / ت / نا

ب (ماضی منفی ۱

این نوع فعل ماضی عدم انجام کار را روی دادن حالت در زمان گذشته را بیان می کند ، پس اگر بخواهیم راجع به کاری که قبلاً انجام نشده است ، بنویسیم یا صحبت کنیم از این نوع فعل استفاده می کنیم .

• طریقه ساخت

حرف منفی ساز « ما » + فعل ماضی بدون تغییر = ما + ذَهَبَ : ما ذَهَبَ

ترجمه آباد

الف (ماضی مثبت در ترجمه بصورت ساده و مطلق ترجمه می شود .

مانند : ذَهَبَ : رفت / ذَهَبْتُ : رفتم و ...

ب (ترجمه ماضی منفی ساده بصورت منفی مطلق یعنی : نرفت ، نرفتند و ... میباشد .

نَ + ماضی ساده ذَهَبَ : رفت / ما ذَهَبَ : نرفت

خیلی مهمه ... 😊

انواع ما :

- | | | |
|-----|-----|-----|
| ۱ - | ۲ - | ۳ - |
| ۴ - | ۵ - | ۶ - |
| | | ۷ - |

✓ عَيْن « ما » تَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي : (کنکورسراسری)

(۱) ما رأيت من لا يغتنمون الفرصة ! (۲) بعد زمن ما غير فكره و نظرته !

(۳) فيه ما يضمن سلامة روحنا و جسمنا (۴) ما أرسلناك إلا مبشراً و نذيراً !

ج) فعل مضارع مثبت

ما برای آنکه بخواهیم روی دادن حالت یا انجام پذیرفتن کاری را در زمان حال بیان کنیم از فعل مضارع استفاده می کنیم. فعل مضارع بر سه وزن: **يَفْعَلُ / يَفْعَلُ / يَفْعَلُ** ساخته میشود.

طریقه ساخت

حروف تینا + اولین صیغه ماضی (ریشه فعل) + **ُ، اِ، وَنْ، ن، ین**

يَذْهَبُ ، تَذْهَبُ و ...

يَذْهَبَانِ ، تَذْهَبَانِ و ...

يَذْهَبُونَ ، تَذْهَبُونَ

تَذْهَبِينَ

يَذْهَبْنَ ، تَذْهَبْنَ

ی / ت / الف / ن + **ذَهَبَ** (ریشه فعل) + **ُ، اِ، وَنْ، ن، ین**

فعل	ترجمه	کاربرد	صیغه	شخص
يَفْعَلُ	انجام می دهد	مفرد مذکر غائب	لِلغَائِبِ	
يَفْعَلَانِ	انجام می دهند آن دو/آنها	مثنی مذکر غائب	لِلغَائِبَيْنِ	
يَفْعَلُونَ	انجام می دهند آنها	جمع مذکر غائب	لِلغَائِبِينَ	
تَفْعَلُ	انجام می دهد او	مفرد مؤنث غائب	لِلغَائِبَةِ	
تَفْعَلَانِ	انجام می دهند آن دو/آنها	مثنی مؤنث غائب	لِلغَائِبَتَيْنِ	
يَفْعَلْنَ	انجام می دهند آنها	جمع مؤنث غائب	لِلغَائِبَاتِ	
تَفْعَلُ	انجام می دهی تو	مفرد مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبِ	
تَفْعَلَانِ	انجام می دهید شما دو نفر	مثنی مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبَيْنِ	
تَفْعَلُونَ	انجام می دهید	جمع مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبِينَ	
تَفْعَلِينَ	انجام می دهی تو	مفرد مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَةِ	
تَفْعَلَانِ	انجام می دهید شما دو نفر	مثنی مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	
تَفْعَلْنَ	انجام می دهید	جمع مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَاتِ	
أَفْعَلُ	انجام می دهم	متکلم مفرد مذکر و مؤنث	لِلْمَتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	
نَفْعَلُ	انجام می دهیم	متکلم مثنی و جمع/مذکر و مؤنث	لِلْمَتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	

ترجمه آباد

۱ - مضارع مثبت در حالت عادی بصورت اخباری ترجمه می شود یعنی : می شنود/ می روید و ...

می + بن مضارع یَذْهَبُ : می رود

۲- اگر بخواهیم کاری را که در زمان گذشته بصورت مستمر انجام شده است بیان کنیم از ماضی استمراری استفاده می کنیم.

کان + فعل مضارع کان یَذْهَبُ : می رفت

خیلی مهمه ... 😊



۱ - کانَ الطَّلَابُ یَسْتَمْعُونَ إلى الکلامِ المَعْلَمِ.

۲ - الطَّلَابُ کانوا یَسْتَمْعُونَ إلى الکلامِ المَعْلَمِ.

۳ - کانَ یَسْتَمِعُ الطَّلَابُ إلى الکلامِ المَعْلَمِ.

۲ - نقش ویرگول در سوالات

✓ عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ :

الف) فی الحصّة الأولى كَانَ يَسْتَمِعُ الطَّلَابُ بَدَقَّةً ، :

ب) و بعد استماع الكلام المعلم يكتبون واجباتهم ، :

ج) و قبل خروج إلى الصفّ يتشكّرون منه ، :

د) و هذا العمل واجب على كلّ التلاميذ ! :

د) فعل مضارع منفي

ما برای آنکه بخواهیم عدم روی دادن حالت یا انجام پذیرفتن کاری را در زمان حال بیان کنیم از فعل مضارع منفي استفاده می کنیم.

• طریقه ساخت

۱ - حرف نفي « لا » + فعل مضارع بدون تغيير / لا + يَذْهَبُ : لا يَذْهَبُ

۲ - حرف نفي « ما » + فعل مضارع بدون تغيير / ما + يَذْهَبُ : ما يَذْهَبُ

ترجمه آباد

ترجمه فعل مضارع منفي بصورت منفي اخباري می باشد. مثلاً يَذْهَبُ می رود / لا يَذْهَبُ نمی رود

خیلی مهمه ... 😊

انواع « لا » :

- ۱

- ۴

- ۲

- ۵

- ۳

(ه) فعل مستقبل (آینده مثبت)

حتماً می دانید برای ساخت فعل آینده در زبان عربی بصورت زیر عمل می کنیم.

س / سوف + فعل مضارع بدون تغییر س / سوف + یَخْرُجُ : سَيَخْرُجُ / سوف يَخْرُجُ

ترجمه آباد

در ترجمه فعل مستقبل مثبت از کلمه « خواه » در ابتدای فعل استفاده می کنیم.
مانند : سوف يَذْهَبُ : خواهد رفت

خیلی مهمه ... 😊

.....
.....
.....

(و) فعل امر مخاطب (مثبت)

همانطور که از عنوان این فعل مشخص است ، هر گاه بخواهیم در متون و مکالمات دستور بر انجام کاری بدهیم از فعل امر استفاده می کنیم. ضمناً امر مخاطب از شش صیغه مخاطب ساخته می شود .

• **طریقه ساخت**

۱ - حرف مضارعه (ت) را حذف می کنیم ← تَذْهَبُ : ذْهَبُ

۲ - در صورتی که بعد از حذف (ت) اولین حرف باقیمانده ساکن باشد ، الف امر می آوریم. ← ذْهَبُ : اذْهَبُ

۳ - به دومین حرف اصلی توجه می کنیم. اگر حرکت - یا - داشت ، به الف امر حرکت کسره می دهیم و اگر حرکت - داشت حرکت ضمه می دهیم . ← اذْهَبُ : اذْهَبُ

۴ - آخر فعل را مجزوم می کنیم . یعنی :

الف) حرکت - را به - تبدیل می کنیم . ← اذْهَبُ : اذْهَبُ

ب) نون آخر فعل را حذف می کنیم. ← اذْهَبُوا : اذْهَبُوا

ج) در صیغه ۶ و ۱۲ (سوم شخص جمع مونث) هیچ تغییری نمی دهیم. اذْهَبْنَ : اذْهَبْنَ

ترجمه آباد

حتماً برای شما روشن است که دستور به مخاطب مانند: بنوش ، کمک کنید و ... می باشد

(ز) فعل نهی دوم شخص (امر منفی)

با دقت در عنوان فعل مشخص است ، زمانیکه بخواهیم در متون و مکالمات دستور برعدم انجام کاری بدهیم از فعل نهی استفاده می کنیم. ضمناً امر مخاطب از شش صیغه مخاطب ساخته می شود .

• **طریقه ساخت**

حرف نهی « لا » + فعل مضارع مجزوم تَذَهَبُ : لا تَذَهَبُ

ترجمه آباد

هنگامیکه فعل نهی را بخواهیم ترجمه کنیم بصورت امر منفی این عمل را انجام می دهیم. مانند نرو ، خارج نشوید و ...

✓ **عَيْنُ الْخَطَا:** (کانون فرهنگی آموزش - قلم چی)

- ۱) الجَاهِلُ يَزِينُ لَكَ فَعَلَهُ وَ يُحِبُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ! نادان کار خود را برای تو می آراید و دوست دارد که همانند او باشی!
- ۲) لِاتْسَافِرِ يَا رَجُلُ، لَيْسَ لِي حَبِيبٌ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ! ای مرد سفر مکن، دوست من در این شهر نیست!
- ۳) يَسْجُدُ لِلَّهِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَ النَّجُومُ! خورشید و ماه و ستارگان برای خدا سجده می کنند!
- ۴) أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ كَانَ يُسَاعِدُ النَّاسَ! یکی از کارمندان به مردم کمک می کرد!

✓ **عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ فِعْلِ الْأَمْرِ:** (کانون فرهنگی آموزش - قلم چی)

- ۱) يَا طَالِبَانِ، إِحْثَانِ عَنِ الْمَوَادِّ الْغَذَائِيَّةِ!
- ۲) أَنْظِرَنَّ إِلَى تِلْكَ السَّفِينَةِ يَا زَمِيلَاتِي!
- ۳) يَا إِخْوَتِي، اقْتَرِبْنَ مِنَّا إِذَا يَنْزِلُ الْجُنُودُ!
- ۴) إِسْمَعُوا كَلَامِي بِدَقَّةٍ يَا شَابُّ!

✓ **عَيْنُ الْخَطَا:** (کانون فرهنگی آموزش - قلم چی)

- ۱) هَلْ تَعْلَمِينَ أَنَّ الشَّجَرَةَ كَيْفَ تَنْمُو مِنْ حَبَّةٍ: آیا می دانید که درخت چگونه از دانه رشد می کند؛
- ۲) وَ الشَّمْسُ لَهَا نُورٌ وَ حَرَارَةٌ: و خورشید نور و گرمایی دارد؛
- ۳) وَ صَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ بَعْدَ اغْتِرَابِ خَضِرَةٍ!: و زمین را به وسیله آن بعد از غبارآلودگی سرسبز گردانید؛
- ۴) فَتَشْكُرُ اللَّهُ عَلَى هَذِهِ النَّعْمِ كُلِّهَا!: پس خدا را برای همه این نعمت ها شکر می کنیم!

✓ عَيْن الصَّحِيح: (گزینہ ۲)

- ۱) لِماذا لا تَنْظُرُ إلى صِدْقِ حَدِيثِهِمْ؟: چرا به راستی گفتار، نگاه نمی کنی؟
 ۲) أَنْظُرْ إلى ما يَقُولُ و لا أَنْظُرْ إلى مَنْ يَقُولُ!: نگاه کن به آنچه می گوید و به کسی که می گوید، نگاه نکن!
 ۳) كانت تَنْظُرُ إلى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ!: به شب نگاه می کرد، چه کسی در آن ماهش را به وجود آورد؟
 ۴) كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّ الَّذِينَ يَزْرَعُونَ الْعُدَّاءَ سَوْفَ يَحْصِدُونَ الْخَسِرَانَ!: می دانیم کسانی که دشمنی را می کارند، زیان را درو خواهند نمود!

✓ عَيْن الصَّحِيح للفرغ : « المَعْلَمُونَ التَّلَامِيذُ غَدًا » (خیلی سبز)

۱ - سوف يساعدون ۲ - كانوا يساعدون ۳ - ساعدوا ۴ - كانوا ساعدوا

✓ عَيْن الجواب المناسب للفراغات : (عربی عمّار)

« أَيْتِهَا الطَّالِبَاتان الدَّرْسُ و المَدْرَسَةُ و لكن أنتم أَيُّهَا الطَّالِب من المَكْتَبَةِ »

- ۱ (لا تكتبي - أَدْخِلِي - أخرج
 ۲ (لا تكتبا - أَدْخِلَا - أخرجا
 ۳ (لا تكتبا - أَدْخِلْنَ - أخرجوا
 ۴ (لا تكتبا - أَدْخِلَا - أخرجوا

ترکیب وصفی و ترکیب اضافی

الف) ترکیب وصفی (موصوف و صفت)

موصوف (منعوت): اسمی است که در حال بیان ویژگی های آن هستیم.

صفت (نعت): اسم یا فعلی که بعد از موصوف، یک یا چند ویژگی آن را بیان می کند صفت نام دارد.

انواع صفت: ۱ - صفت مفرد ۲ - صفت جمله (مربوط به درس جمله بعد از نکره)

صفت مفرد : اسم + اسم

مانند : شجرة جميلة درخت (موصوف) زیبا (صفت)

ویژگی های مشترک موصوف و صفت :

- ۱ - موصوف و صفت از نظر جنس با هم مطابقت دارد. یعنی هر دو یا مذکر و یا مؤنث است: شَجْرَةٌ جَمِيلَةٌ
 ۲ - موصوف و صفت معمولاً هر دو یا دارای « الـ » میباشد یا دارای « ةٌ » : الْمُؤْمِنُونَ الْمُجَاهِدُونَ
 ۳ - موصوف و صفت از نظر تعداد با هم مطابقت دارد :
 ۴ - موصوف و صفت از نظر علامت ظاهری با هم مطابقت دارد :

خیلی مهمه ... 

- ۱ - صفت برای جمع غیر انسان بصورت
مانند : الجزر الاستوائیة الکتب المفیده الصُّورُ الْمُتَحَرِّكَةُ
- ۲ -
- ۳ -

(ب) ترکیب اضافی (مضاف و مضاف الیه)

گاهی دو اسم پشت سر هم می آید اما اسم دوم وصفی برای اسم اول ندارد . در این حالت ترکیب مضاف و مضاف الیه داریم. در واقع تفاوت موصوف و صفت با مضاف و مضاف الیه در این است که صفت از نظر معنایی کامل نیست مانند آسمان آبی ، خانه بزرگ و ... اما مضاف الیه معنای کاملتری دارد . ضمناً مضاف هیچ گاه (ال ، تنوین ، نون مثنی و جمع مذکر سالم) نمی گیرد .

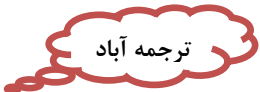
مانند :

- (۱)
- (۲)
- (۳)

خیلی مهمه ... 

۱ - اسم های ممنوع الاضافه :

۲ - اسم های دائم الاضافه :

ترجمه آباد 

گاهی ترکیبی که داریم هم دارای مضاف الیه است و هم دارای صفت بدین صورت که ابتدا مضاف الیه می آید سپس صفت . بنابراین در ترجمه باید دقت داشته باشیم که بر عکس ترکیب عربی ابتدا صفت را ترجمه کنیم ، بعد از آن مضاف الیه را .

مانند : أشجارنا الجميلة (در عربی : درختان ما زیبا)

← نا : مضاف الیه الجميلة : صفت

أشجار : مضاف و موصوف

در فارسی: درختان زیبای ما

- | | | | |
|-------|-------------------------------------|-------|---------------------------|
| | بَعْضِ الْمَوَادِّ الْكِيمَاوِيَّةِ | | الصُّورِ الْمُتَحَرِّكَةِ |
| | وَاجِبَاتِهِ الْمَدْرَسِيَّةِ | | مُخْتَبَرٍ صَغِيرٍ |
| | خَاتَمَهَا الذَّهَبِيَّ | | عَرَبَةَ الْبَضَائِعِ |
| | عَمَلِكَ الصَّالِحِ | | أَيَّامِ الطُّفُولَةِ |

خیلی مهمہ ...

- ۱

غاباتھا جمیلة :

الف (غاباتھا الجمیلة :

منظر إصفهان الجمیل :

ب (منظر إصفهان الجمیلة :

- ۲

✓ عین التَّرکیب الاضافی فی العبارات التَّالِیة: (کانون فرهنگی - قلم چی)

(۱) إن الايثار صفة انسانية يجب أن نتحلَّى بها!

(۲) العلماء المسلمون ألفوا كتباً مفيدة في العصور الماضية!

(۳) أريد أن أذهب إلى المكتبة العامة!

(۴) ما هو أخطر الأمراض للإنسان؟

✓ عین الصَّحیح فی التَّرجمة أو المفهوم: (گزینہ ۲)

«هؤلاء الصديقاتُ يَحْتَنُّ الشَّمْسَ الْمُسْتَعْرِةَ فِي السَّمَاءِ عِنْدَ غُرُوبِهَا الْجَمِيلِ!»

(۱) این دوستان خورشید فروزان را در آسمان هنگام غروب زیبا نگاه می کنند!

(۲) آن دوستان خورشید سوزان را در آسمان که غروبش زیباست، جست و جو کردند!

(۳) این دوستان خورشید فروزان را در آسمان هنگام غروب زیبایش جست و جو می کنند!

(۴) اینها دوستانی هستند که خورشید سوزان را در آسمان زیبا هنگام غروبش نگاه کردند!

✓ عین الخطأ (فی الإضافة) (کنکور سراسری ۹۴)

۱ - صباح احد الأيام عزمنا على أن نذهب لعيادة مرضى المستشفيات !

۲ - عندما يخرج التلاميذ من صفوفهم يزدحمون أمام المدرسة عادة !

۳ - تعجَّب الرَّجُلُ الْغَجُوزُ مِنْ عَمَلِ هَذَيْنِ التَّلْمِيزِيِّينَ فِي الشَّارِعِ !

۴ - كان احد مصليين المسجد يجمع إعانات النَّاسِ لِلْفُقَرَاءِ !

✓ كم « مضاف إليه » فی العبارة التَّالِیة : « فی هذا الصباح اشتریت الكتاب من بائعي الكتب المدرسيَّة » (مهر فائق - ایاد فیلی)

۴ - أربعة

۳ - واحد

۲ - ثلاثة

۱ - اثنان

ساعت فوانی

برای بیان ساعت از اعدادی استفاده می کنیم که بر وزن فاعل می باشند. همچنین برای بیان ، نیم و ربع از نصف / الأ ربعاً استفاده می کنیم. . مانند : الثالثة ، الرابعة ، الخامسة و النصف ، السادسة إلا ربعاً

✓ عین الصحیح عن الساعة :

« إذا كانت العقربة القصيرة على التاسعة و الطويلة على الثالثة يعنى الساعة ... » (خودمون)

(۱) الثالثة إلا ربعاً (۲) التاسعة إلا ربعاً

(۳) التاسعة و ربع (۴) الثالثة و ربع

خیلی مهمه ... 😊

۱ - « الحمد لله الذى خلق السماوات و الأرض ... » :

۲ - أحب أن أسافر :

۳ - أيها و أيها :

۴ - انظر إلى الشمس التي :

۵ - أنظر إلى الليل فمن أوجد فيه قمره :

۶- أكمل النص مُستعيناً باللغات فى القوسين.

(شلالات / سفرة علمية / المحافظة / تهيئة / أزهار / بارد / الخميس / الأسبوع)

طلّاب المدرسة مسرورون لأنهم سوف يذهبون لـ من طهران إلى ياسوج. قال المدير : سَنَذْهَبُ يَوْمَ فى

..... القادم . عليكم مراعاة بعض الأمور : الملابس المناسبة لأنّ الجوّ فى ياسوج فطلّاب

يسألون المدير : هل هى مدينة جميلة ؟ قال المدير : نعم فى هذه ، غابات و أنهار . عيون و جميلة .

۷ - عين الصحیح / الخطأ عن نوعية الكلمات (التحليل الصرفى) :

✓ « أنظر إلى الشمس التي جذوتها مُستعرة »

(۱) أنظر : فعل امر - للمخاطب - مزيد ثلاثى (من باب إفعال)

(۲) الشمس : اسم - مفرد مونث - مبنى - مجرور بحرف « إلى »

(۳) جذوة : مفرد مونث - معرب - مبتدا و مرفوع و الجملة اسمية

(۴) مستعرة : اسم فاعل (مصدره : استعار من باب انفعال) - خبر و مرفوع